

اقسام چهارگان وضع

مقام اول : تعریف اقسام

در تقسیم وضع به شخصی و نوعی گفتیم که تقسیم مذکور به لحاظ موضوع است؛ اینک وضع را به لحاظ معنی تقسیم می نمائیم. مرحوم محمد تقی اصفهانی در هدایة المسترشدين می نویسد:

«ینقسم الوضع باعتبار الموضوع له و المعنى المتصور حال الوضع إلى أقسام أربعة و تفصیل القول فی ذلك أن من البين توقف الوضع على ملاحظة المعنى و تصوره فإما أن يكون المعنى الذى يتصوره حينئذ الواضح أمراً جزئياً غير قابل الصدق على كثيرين أو كلياً شاملاً للجزئيات و على التقديرين فإما أن يضع اللفظ لعين ذلك المعنى الذى تصوره أو لغيره مما يعمه أو يندرج تحته بأن يجعل ذلك المعنى عنواناً له و مرآة لملاحظته ليصح له بذلك وضع اللفظ بإزائه فهذه»^۱

توضیح :

- (۱) در لحظه وضع کردن باید معنی را تصور کرد.
- (۲) معنایی که در لحظه وضع کردن لحاظ می شود یا امر جزئی است و یا کلی.
- (۳) لفظ یا بر معنای جزئی ای که تصور شده است گذاشته می شود. (الف) و یا بر معنایی که آن معنای جزئی، از جزئیات آن است. (ب)
- (۴) لفظ یا بر معنای کلی ای که تصور شده است، گذاشته می شود. (ج) یا بر معنایی که از جزئیات آن معنای کلی است. (د)
- (۵) در فرض (ب) و (د)، نحوه عملکرد به آن صورت است که معنای تصور شده اولیه را عنوان و مرآتى قرار می دهیم تا در آن، معنای دیگری را ببینیم.

(۶) الف = وضع خاص + موضوع له خاص ب = وضع خاص + موضوع له عام

ج = وضع عام + موضوع له عام د = وضع عام + موضوع له خاص

ما می گوئیم : بحث را در چندین نکته می توان پی گرفت:

نکته اول : با توجه به این تعریف که در کلمات دیگران هم به همین صورت آمده است، معلوم می شود که عام و خاص در اینجا به معنای کلی و جزئی است. مرحوم امام در توضیح این مطلب می نویسد:

«فالعالم هاهنا (بحث وضع) نفس الماهية، و الخاص جزئى حقيقى، و العام هناك (بحث عام و خاص) القضية

المحصورة ب «كلّ» و نحوه، و الخاصّ ما كان أقلّ [إحاطة] و لو كانت محصورة أيضاً»^۲

و در متن مناهج الوصول :

۱. هدایة المسترشدين ؛ محمد تقی طباطبایی : ج ۱ ص ۱۷۰

۲. پاورقی مناهج الوصول ؛ امام خمینی : ج ۱ ص ۶۶



« المراد بالعموم هو نفس الطبائع و الماهیات، كما يشهد له [التمثيل] بأسماء الأجناس، و لا ريب في أنّها نفس الطبائع لا بما هي عامّة [بما هي عامّة = عام اصولی یعنی کل انسان] ضرورة أنّها كذلك [عام اصولی] آية عن الحمل، [نمی شود گفت : زيدٌ کل انسان] فلو وضع اللفظ لها لزم التجريد و التجوّر دائماً، و هو كما ترى.»^۱

چنانکه معلوم شد امام می نویسند: مراد از عام در اینجا، «کلی طبیعی» است و نه آنچه در بحث عام و خاص، به عنوان عام، از آن یاد می شود. و مراد از خاص نیز جزئی حقیقی است.

این در حالی است که مرحوم شیخ محمد تقی اصفهانی در هدایة المسترشدين تصريح دارند که مراد از «خاص» در «وضع عام ؛ موضوع له خاص» اعم از جزئی حقیقی و جزئی اضافی است. ایشان می فرماید:

«ثالثها أن يتصور معنى عاما و يضع اللفظ بإزاء جزئياته فيكون الوضع عاما و الموضوع له خاصا سواء كان الموضوع له هناك جزئيا حقیقیة أو إضافية و ما يظهر من كلام بعضهم من اختصاصه بالأوّل غير متجه كيف و لا یجری ذلك فی كثير مما جعلوه من هذا القسم كالحروف فإنها و إن وضعت عندهم لخصوص المعاني المتعينة بمتعلقاتها إلا أنّه مع ذلك قد تكون مطلقة قابلة للصدق على كثيرين كما فی قولك كن على السطح و كن فی البلد و نحوهما فإن كلا من الاستعلاء و الطرفية المتعینين بمتعلقاتها فی المثالين قد استعمل فيهما لفظة على و فی لكنهما مع ذلك صادقان على أفراد كثيرة لا تحصى»^۲

توضیح :

۱) معنای عام که تصور شد، اگر لفظ برای جزئیات آن وضع شد، مصداق وضع عام موضوع له خاص است. حتی اگر جزئیات آن جزئی اضافی باشد.

۲) دلیل : از مشهورترین مثال های این قسم، وضع حروف است در حالی که «علی» در «کن علی السطح» جزئی اضافی است. ما می گوئیم : گاهی «حروف» در موردی استعمال می شود که مستعملٌ فيه آن، جزئی حقیقی است (لا یصدق علی كثيرين) مثل اینکه بگوئیم «كنتُ علی السطح» که شخصاً جای خاصی را مورد اشاره قرار می دهد. ولی گاهی مستعملٌ فيه در حروف، کلی است (یصدق علی كثيرين) هر چند نسبت به معنای عام آن حرف، جزئی اضافی است. مثل اینکه می گوئیم «كُن علی السطح» که جاهای مختلف سطح را می تواند شامل شود هر چند نسبت به معنای کلی «بالا»، جزئی اضافی است و یا مثال «كانوا علی السطوح» که تعدادی بیش از یک نفر در جاهای متعددی بوده اند.

مرحوم امام این سخن را قبول ندارند؛ و آنچه مرحوم محقق تقی اصفهانی در مورد مثال «علی» آورده اند را ردّ می کنند و صریحاً می نویسند مستعملٌ فيه حروف همیشه جزئی حقیقی است.

ما می گوئیم : اشکال امام متوجه به وضع حروف است و ایشان درباره همه موارد «وضع عام ؛ موضوع له خاص» سخن نگفته

۱. مناهج الوصول ؛ امام خمینی : ج ۱ ص ۶۵

۲. هدایة المسترشدين ؛ محمد تقی اصفهانی (ره) ؛ ج ۱ ص ۱۷۵



اند. درباره کلام ایشان در وضع حروف بعدها سخن می‌گوییم.

